

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

انجنیر محمد هاشم "رائق"
۱۵ می ۲۰۲۰

نور خدا

ز آن کوچه گذشتم که همان کوچه ما بود
رفتم به درش تا که شوم داخل آن درب
خواستم که بینم چه باقی است در آنجا
رفتم پی آن نور که آن روشنی از چیست
می دید به حرمان به من زار به حسرت
فریاد بزد و گفت که ای بی وطن زار
این جوریکه به تو رسد از دست نفاق است
دستم نرسید تا که ز دامانش بگیرم
چشم به هم فتاد در آن گوشه تاریک
لمبیده یکی سقف که آن خانه ما بود
دیدم که درونش همه چون شام سیاه بود
در گوشه ظلمت عجب یک نور صفا بود
دیدم که رخ مادر خوش اختر ما بود
چشمان غم آلود که مملو ز حیا بود
بر بادی تو ماحصل از جور و جفا بود
گر وحدتی می بود همه خصم فنا بود
از دیده برفت زود که نوری ز خدا بود
دیدم که (رائق) ز همه دور و جدا بود